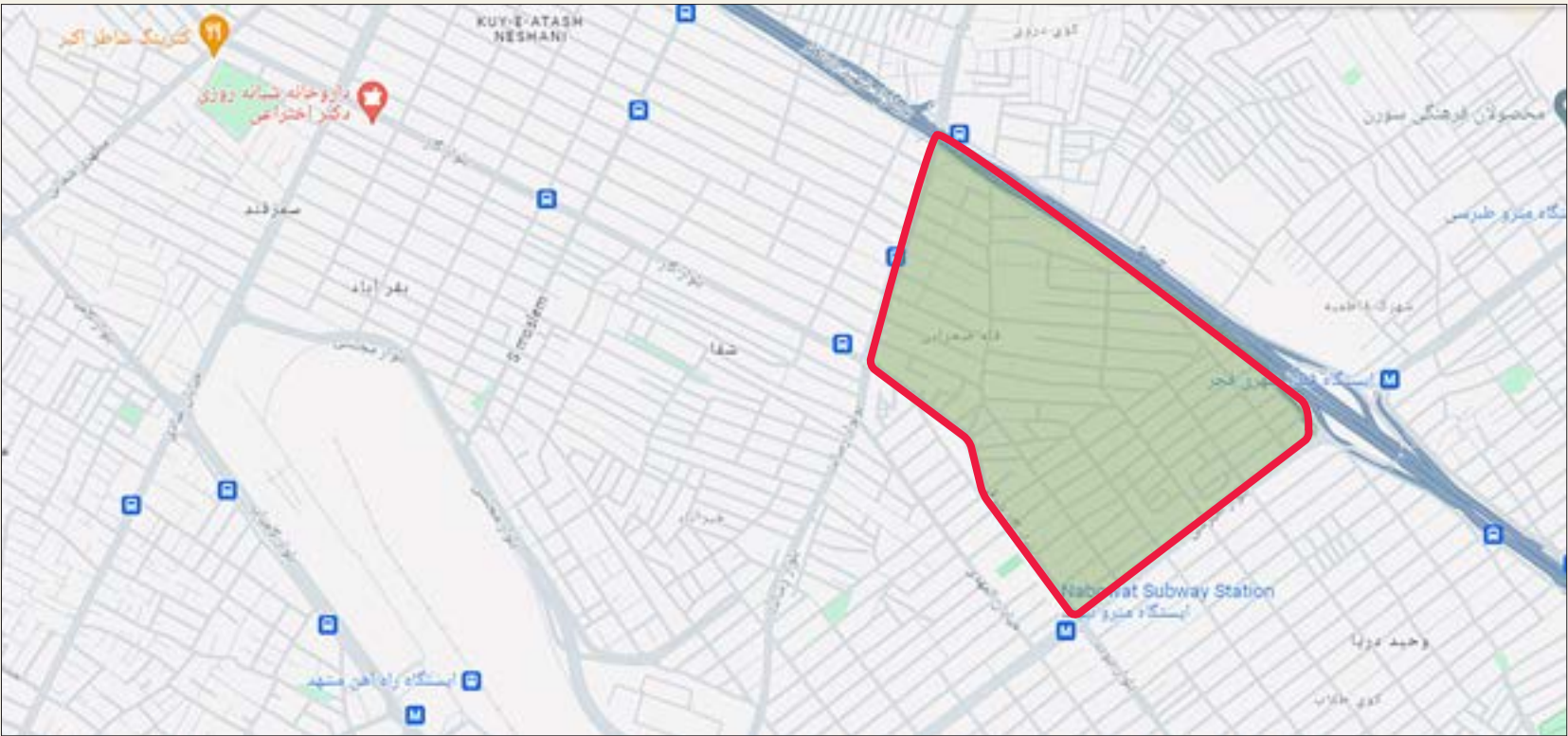


قصه پس گرفتن «قلعه صحرایی» از غاصبان بریتانیایی



موقعیت مزرعه صحرایی بر روی نقشه فعلی مشهد

مرضیه ترابی! اطلاعات ما درباره تاریخ مزرعه یا قلعه «صحرایی»، بسیار ناامیدکننده است. تنها اسنادی که قادرند توضیحی درباره تاریخچه اراضی مشهد و اطراف آن بدهند، یعنی وقف نامه‌ها، درباره این مزرعه قدیمی سکوت کرده‌اند؛ مزرعه‌ای که روزگاری با نوند هکتار وسعت (تقریباً یک سوم مساحت فعلی پردیس دانشگاه فردوسی)، از مزارع وسیع شمال مشهد محسوب می شد و با جمعیتی حدود ۱۰۰ خانوار، یکی از کانون های اصلی زراعت در این منطقه بود. از آنجا که «صحرایی» از دیرباز مزرعه‌ای خصوصی بوده و قالب موقوفه نداشته

● اسناد درباره «صحرایی» چه می‌گویند؟

باتوجه به موقوفه نبودن اراضی صحرایی، دست‌کم تا زمان خرید آن از سوی آستان قدس در سال ۱۳۴۴ خورشیدی، شناسایی مالک آن نیز دشوار است. عبدالحمید مولوی، مشهد‌شناس و مورخ برجسته معاصر، در جلد نخست مجموعه «پیش‌نویس فهرست موقوفات آستان قدس رضوی»، از «محمد حسن بهادرزاده قندهاری» به عنوان مالک مزرعه صحرایی در سال ۱۳۴۴ یاد می‌کند که آستان قدس مزرعه را از وی خریده است. درباره مالکیت قلعه صحرایی، می‌توان به تنها سند موجود در این زمینه که در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، نیز مراجعه کرد. این سند با شماره ۶۳۷۸۱، در سال ۱۳۰۵ خورشیدی تنظیم شده است و به «شکایت میرزاعلی خان از حسین خان و حسن خان، تبعه دولت انگلیس، به واسطه تعدی در مزرعه صحرایی و لزوم حضور مشارالیه در اداره کارگزاری امور خارجه و ارائه توضیحات در این باره» اختصاص دارد. سند یادشده نشان می‌دهد که در سال ۱۳۰۵ خورشیدی، یعنی حدود ۹۷ سال قبل، مالک مزرعه صحرایی، میرزاعلی خان است که مطابق اسناد موجود، خادم کشیک دوم آستان قدس بوده است. دست‌اندازی به املاک و اراضی که در نامه گفته شده قرار می‌گیرد، موضوعی نسبتاً شایع در آن ایام بود که بعدها رضاشاه با غضب گسترده اراضی مرغوب، به آن دامن زد. ازطرفی، موضوع دست‌اندازی دو تبعه انگلیس، برای آن زمان چیز

غریبی محسوب نمی‌شود. می‌دانیم که در دوره قاجار، به‌ویژه در نیمه دوم این دوره، برخی تجار و کسبه به منظور فرار از مالیات حکومتی یا استفاده از معافیت‌های گمرکی، تابعیت غیرایرانی را اختیار می‌کردند. در مشهد، بیشتر این نوع ترک تابعیت‌ها، به اخذ تابعیت روسیه تزاری می‌انجامید. در نمونه‌های بسیار کمتری، این افراد تابعیت انگلیسی را قبول می‌کردند. اشخاص دارای تابعیت جدید، پرچم دولتی را که تابعیت آن را پذیرفته بودند، مقابل ورودی حجره خود نصب می‌کردند و به این ترتیب، ضمن سوءاستفاده از حق کاپیتولاسیون برای کسب مال و ثروت بیشتر، زمینه را برای نفوذ هرچه بیشتر بیگانگان فراهم می‌کردند.

● سیمای قدیمی صحرایی

درباره سیمای مزرعه صحرایی در دوران رونق کشاورزی آن، گزارشی در دست نیست، فقط مهدی سیدی در کتاب خود به این موضوع اشاره می‌کند که «صحرایی پیش از ضمیمه شدن به شهرداری [مشهد] دارای چهار قلعه به نام‌های خردو، کرمانی‌ها، کاشی‌ها و قانی‌ها یا کل ترات [بود]». وجود چهار قلعه بر روی اراضی مزرعه صحرایی، می‌تواند نشانه‌ای از تشابه محیط زندگی ساکنان این مزرعه با مزارعی مانند «رده» باشد. هر قلعه زیرساخت‌های خودش را داشت و احتمالاً متعلق به یک فرد خاص بود. این قلعه‌ها، چنان‌که در مورد مزرعه رده توضیح دادیم،



آسفالت و توسعه عمرانی محدوده مزرعه صحرایی در دهه ۷۰ و ۱۴ قرن خورشیدی



نمایی از دیوارچینی در محدوده قلعه صحرایی، دهه ۵۰ و ۱۴ قرن خورشیدی

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت صدویست‌وهفتم)

توسعه شبکه آبیاری در مشهد عصر صفوی

ترابی! درباره تاریخ و چگونگی ساخت بنای «بند گلستان»، حرف و حدیث بسیار است. درواقع ما نمی‌دانیم بانی این سد قدیمی کیست. برخی افراد آن را از بناهای گوهرشادبیکم، همسر خیر شاهرخ تیموری و بانی مسجد باشکوه گوهرشاد، می‌دانند و گروهی دیگر آن را از بناهای دوره صفویه می‌پندارند. تعدادی نیز بر این باورند که بنای بندگانستان، حتی پیش از دوره تیموری وجود داشته است و در ادوار بعدی فقط آن را ترمیم کرده و شاید توسعه داده‌اند. با وجود این تردیدها، در این موضوع شبهه‌ای وجود ندارد که آب این موقوفه «قدیم‌الئسق»، وقف حرم رضوی شده است و تا چند دهه قبل نیز آستان قدس متولی نگهداری آن بود. بندگانستان اراضی پایین‌دست خود را مشروب می‌کرد. برخی از این اراضی موقوفه بودند و تعدادی دیگر، مالک خصوصی داشتند و بابت دریافت آب، هزینه پرداخت می‌کردند، با این حال شاید کمی دور از ذهن به نظر برسد که ما، اراضی مناطق دوردستی مانند دشت «زرگران» و حتی «الندشت» را مشروب از آب بندگانستان بدانیم. پذیرش این پندار، البته در دوران ماکه مشهد به‌گونه‌ای شگفت‌انگیز و شاید سرسام‌آور توسعه جغرافیایی پیدا کرده است، مشکل است، اما اگر دورانی را در نظر بگیریم که این شهر در حصار بارویی نه‌کیلومتری و متشکل از ۵۴ برج، در فضایی محدود به اطراف حرم رضوی قرار داشت، درک ایجاد شبکه‌های آبیاری دقیق و بهره‌مندی اراضی دوردست از آب بندگانستان، چندان دور از ذهن نخواهد بود. درمیان سندهای موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سندی (با شماره ۳۷۸۱/۱) وجود

مشاهدات

بیشترشان دارای حمام، اتاق‌های متعدد برای سکونت و قناتی پرآب و جاری بودند. صحرایی فاصله چندانی با مزرعه رده نداشته و به نظر می‌رسد که قنات یا قنات‌های پرآبی برای آبیاری اراضی وسیع خودش داشته است. نام قلعه‌ها هم می‌تواند اشاره‌ای بر ایجاد کلونی‌های مهاجرنشین در اطراف مشهد باشد؛ در این قلعه‌ها، مردمانی از اهالی کرمان، کاشان و قائن زندگی می‌کردند که به احتمال زیاد با یکدیگر خویشاوندی داشتند. نظیر چنین کلونی‌هایی را می‌توان حتی بیرون از باروی قدیمی شهر و در قالب «گودها» ملاحظه کرد؛ مکان‌هایی مانند، گود زابلی‌ها» و نظایر آن. این وضعیت در مورد شهر مشهد که بیشتر جمعیت آن را مهاجران دیگر شهرها تشکیل می‌دادند، موضوع نامتعارفی نبود، حتی برخی روستاهای اطراف مشهد را مانند «حسین‌آباد کرمانی‌ها» به شهروندان دیگر شهرهای ایران منسوب کرده بودند. مهدی سیدی در کتاب خود اشاره می‌کند که بقایای برخی قلعه‌های صحرایی تا حدود سال ۱۳۷۳ و جود داشت و پس از آن برای همیشه از بین رفت. امروز مزرعه صحرایی، بخشی از محله رسالت است و در محدوده «حاشیه راست جاده مشهد-کارخانه سیمان (خیابان رسالت فعلی) و جنوب بزرگراه، شمال خیابان گازشرقی و غرب خیابان طبرسی...» قرار گرفته است. قلعه صحرایی بعد از توسعه شمال مشهد در اواخر دهه ۴۰، در حدود سال ۱۳۵۵ خورشیدی به بخشی از شهر مشهد تبدیل شد و به تدریج ماهیت زراعی خود را از دست داد.

حریق بازار سرشور در ۸۰ سال پیش



طوبی اردلان-۳ مرداد ۱۳۲۲ خورشیدی، یک آتش‌سوزی در بازار بزرگ سرشور مشهد رخ می‌دهد که خبر آن را روزنامه «آزادی» چاپ و منتشر می‌کند. این جریده می‌نویسد: «حریق بازار سرشور ساعت شش و ربع عصر جمعه از دکان سفال‌فروشی نزدیکی حمام سالاری‌ها رخ می‌دهد. از این دکان که بسته بوده، آثار حریق مشاهده می‌شود تا در دکان راشکسته و برای اطفای آتش می‌روند، چون در آن دکان مقداری نفت و هیزم ارس و زغال بوده است، آتش زبانه کشیده به سقف بازار و چون چوب و شیروانی پوش است، سرایت می‌کند و به سرعت دکان‌های طرفین شروع به سوختن می‌کنند. بلافاصله مأمورین شهربانی و آقای یاور میرطلوعی، سرکلانتر، به محل حریق رفته، می‌بیند کمال شدت آتش، ازطرفی شروع به خراب کردن دکان‌ها، پس به اطفای نازده [آتش و شعله] و ازطرفی به خالی کردن اسباب و اشیای دکان‌ها مشغول می‌شوند. در این بین، اتومبیل اطفائیه شهرداری نیز می‌رسد و مشغول می‌شود. چون جمعیت زیاد جمع بوده، بیم می‌رفت که در آن حیص و بیص، غارت یا مال مردم نفله شود، مأمورین شهربانی به‌دقت سر کوجه‌های اطراف محل حریق را می‌گیرند و ساعت ۸ در حین اطفای آتش، وسایل اطفائیه نیروی شوری با افسر و عده رسیده، با نظم و جدیت شروع به کمک و خاموش کردن آتش می‌کنند. عملیات اطفایی تا ساعت ۱۱ طول کشیده و آن موقع آتش خاموش گردیده، ولی تا صبح از زیر خرابه‌ها و عمق دکان‌ها دود متصاعد بود.

بسیست دکان از طرفین بازار، دچار حریق و خراب شده و با وجودی که ۲۰۱۰ میلیون ریال قالی و قالیچه و سایر اسباب و اشیای دکان‌هایی که آتش گرفته بودند، به مجاهده پاسبانان از آتش نجات یافته، در محلی نگهداری و تسلیم صاحبانش شده است، معهذاز حیث امتعزای که سوخته و خرابی وارده، بیش از یک میلیون ریال خسارت این حریق شده است.»

آزادی: «همچنان‌که ما از نیروی شوری که در این واقعه همکاری و مددکاری با مأمورین در اطفای حریق نموده‌اند، کمال تشکر را داریم، جدیت و فعالیت مأمورین شهربانی و شهرداری را نیز قدردانی می‌نماییم؛ زیرا در این حریق، خیلی مجاهده برای حفظ اموال مردم از سوختن و نفله شدن و سرایت آتش به نقاط دیگر شد، اگر نه ممکن بود تمام بازار دستخوش آتش شده، صدهامیلیون ریال خسارت به این شهر وارد آید.»

خبر سوخته

۷۲ هزار و ۵۰۰ کیلو هیزم برای ادارات مشهد



تصویری از شیراز شکان عصر قاجار

زینبی! حال و هوای اواخر بهمن در سال ۱۴۰۲ برای ما شباهتی با بهمن ۱۳۲۳ خورشیدی ندارد. اکنون لطافت و گرمای هوا، بهار را در ذهن تداعی می‌کند، ولی در آن زمان، کولاک برف و باران به خیابان‌ها و کوچه‌های رنگ‌ورورفته شهر امان نمی‌داد و بارشی از پس بارشی دیگر میهمان شهر بود. آن زمان، نبود گاز و سوخت، یکی دیگر از دردسره‌ای زمستانی بود. هیزم به مدد مردم می‌آمد تا بتوانند از سرمای استخوان‌سوز شهر نجات پیدا کنند، البته اکنون که به ماجرا نگاه می‌کنیم، می‌دانیم سوزاندن چوب برای گرما چقدر به طبیعت و جنگل‌های خراسان آسیب می‌زند و برای ما پذیرفتنی نیست، ولی شاید در هشتاد سال پیش، مردم چاره‌ای دیگر نداشتند. شاید تصور بر این باشد که فقط منازل بودند که با معضل نبود گرمایش روبه‌رو بودند، اما در آن سال‌ها تأمین سوخت زمستانی ادارات مشهد هم یکی از مسائل پیش‌روی شهر بود. اداره دارایی شهرستان مشهد آگهی مناقصه سوخت را برای ادارات شهر در ۱۵ مهر سال ۱۳۲۳ به روزنامه آزادی داده است. «گوردون» آن زمان مدیرکل دارایی استان نهم بود و این آگهی با امضای او در روزنامه به چاپ رسید. نوع سوختی که برای ادارات تعیین شده بود، هیزم جنگلی خشک توت، زردآلو و چنار بود. طبق این آگهی برای اداره فرهنگ بیشترین میزان سوخت ویژه شهربانی مشهد با ۷۲ هزار و ۵۰۰ کیلو هیزم در نظر گرفته شده است. دادگستری نیز با میزان مصرف ۵۰ هزار کیلو در رتبه دوم ادارات شهر قرار دارد که احتمالاً به تعداد ساختمان‌های زیاد تحت نظر این اداره شامل زندان‌ها اشاره می‌کند. زیاد بودن تعداد ساختمان‌های اداره فرهنگ شامل مدارس و دانشسراها نیز آن را نیازمند حدود ۴۵ هزار کیلو سوخت کرده بود. پست و تلگراف با ۲۰ هزار کیلو مصرف سوخت، پیشه‌و هنر با ۱۰۰۰ کیلو، دام‌پزشکی با ۱۰ هزار کیلو، کشاورزی با ۱۸۰۰ کیلو، فرمانداری با ۲۱ هزار و ۵۰ کیلو، دارایی مشهد با ۸ هزار کیلو، بهداری با ۷ هزار کیلو و هنرستان با ۳ هزار کیلو مصرف، از دیگر اداراتی بودند که با هیزم گرم می‌شدند. از آنجا که این آگهی در اواسط مهر به چاپ می‌رسد و سرما نزدیک است، شرکت‌کنندگان این مناقصه تا بیستم مهر فرصت دارند درخواستشان را به دفتر دارایی بدهند و باید مبلغ ۵ هزار ریال وجه نقد را برای ضمانت آن بسپارند. زمان تحویل هیزم به هریک از ادارات در قرارداد تعیین می‌شود و پیشنهاد در صورتی پذیرفته می‌شود که افراد، شرایط تأمین و تحویل هیزم را داشته باشند. اگر برنده مناقصه در تحویل هیزم تعلل کند، اداره مربوط از محل وجه تضمین برنده منقاصه، هیزم مورد نیاز را خریداری خواهد کرد. ۲۳ مهر روزی است که پیشنهادها در اداره دارایی باز و برای آن تصمیم‌گیری خواهد شد؛ البته درباره اینکه چه کسی در مناقصه خرید هیزم برنده می‌شود، مطلبی در این روزنامه به چاپ نمی‌رسد.